

انتشار مجله حسابدار؛

تصمیم جسورانه

حسابدار

انتشار یکصدمین شماره مجله حسابرس، فرصت خوبی پیش آورده است که خوانندگان ما، با تاریخ قدیمی ترین و مؤثرترین نشریه حسابداری کشور آشنا شوند. جناب عالی علاوه بر سردبیری نشریه حسابدار، به عنوان دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران نیز خدمت می کنید، و بینش وسیعتر و جامعتری نسبت به تحولات محیطی مرتبط با مجله و سیر تطور آن دارید. تا آن جا که من در ذهن دارم، مجله حسابدار، تاریخ حسابداری کشور است؛ دقیق آن را از زبان شما بشنویم.

دکتر قاسمی

خاستگاه انتشار مجله حسابدار به تاریخ تأسیس انجمن حسابداران خبره ایران در روز چهارشنبه، ۲ اسفند ۱۳۵۱ برمی گردد. عصرگاه آن روز، ۳۴ تن از کنشگران حرفه نوپای حسابداری آن روزهای ایران، در تالار اجتماعات مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی گردهم آمدند و این انجمن را در قامت یک انجمن حرفه ای (نه دانشگاهی و نه صنفی) راه اندازی کردند. مسعود عرفانی، در نخستین مقاله مجله حسابدار (شماره ۱، پاییز ۱۳۵۵) با عنوان «تاریخچه انجمنهای حسابداری»، پس از



گفتگو با

آقای دکتر محسن قاسمی

دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران

و

سردبیر ماهنامه حسابداران

مهم و تاثیرگذار را ایفا می‌کرد. وی در گفت‌وگویی در شماره ۲۹۷ مجله حسابداری، که به مناسبت چهلمین سال انتشار مجله، در دی ۱۳۹۵ منتشر شد، به بیان خاطراتی خواندنی از آن دوران پرداخته که خواندن آن برای علاقه‌مندان خالی از لطف نخواهد بود.

بانگاهی گذرا به ۱۲ شماره نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، مطالب منتشر شده در آن را می‌توان به پنج گروه زیر تقسیم کرد:

۱- اخبار و اطلاعات مربوط به انجمن، که شامل متن کامل اساسنامه و آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی، گزارش برگزاری مجامع عمومی اعضا، متن کامل صورتهای مالی به همراه گزارش حسابرس، و فهرست اعضای انجمن است. این گروه از مطالب که در سالهای بعد نیز انتشار آنها در مجله حسابداری (دوره جدید نشریه انجمن) استمرار یافت، در زمره باارزش‌ترین اسناد تاریخ انجمن و حتی تاریخ حرفه حسابداری ایران هستند.

۲- گفت‌وگو با شماری از اعضای شورای عالی انجمن و تنی چند از بزرگان حرفه حسابداری آن سالها (به ترتیب: محمد مهدی سمیعی، محمد حسن ابریشمی، حسن سجادی نژاد، رسول محمدی سالک، جلیل شرکاء، احمد زینی، حیدر خوئی، احمد فاطمی، اکبر انصاری، فرزین طباطبائی، و ابوالقاسم خردجو)، که در قالب ستون ثابت «یک چهره»،

مروری گذرا به سه تلاش ناموفق قبلی- برای راه‌اندازی جامعه حسابداران ایران در سال ۱۳۲۵، انجمن قانونی محاسبین قسم‌خورده و کارشناسان حساب ایران در سال ۱۳۴۲، و انجمن حسابداران ایران در سال ۱۳۴۳- از تأسیس انجمن حسابداران خبره ایران در سال ۱۳۵۱ به عنوان نخستین تلاش موفقیت‌آمیز انجمن‌گردانی در حرفه حسابداری ایران یاد کرده است.

به استناد گزارشهای مکتوب، و نیز قرائن، شواهد و اظهارات نخستین اعضا و دست‌اندرکاران انجمن حسابداران خبره ایران، سالهای نخست راه‌اندازی انجمن، عمدتاً به پیگیری اقدامات لازم برای استقرار آن سپری شد. با این حال، یکی از نخستین اقدامات دوران پس‌استقرار انجمن، راه‌اندازی یک نشریه حرفه‌ای با عنوان «نشریه انجمن حسابداران خبره ایران» (دوره قدیم مجله حسابداری) بود. این نشریه از پاییز ۱۳۵۵ تا زمستان ۱۳۵۷ (طی حدود ۲۷ ماه) در ۱۲ شماره پی‌درپی، تقریباً هر دو ماه یک‌بار، منتشر شد. مسئولیت سردبیری این نشریه بر عهده خانم فریده خلعت‌بری، یکی از چهار زن عضو نخستین فهرست (۱۷۴ نفری) اعضای انجمن، بود. خلعت‌بری که در آن سالها مسئولیت حسابرسی مستقل و بازرسی انجمن را نیز بر عهده داشت و نام وی در گزارشهای حسابرسی صورتهای مالی آن سالهای انجمن نیز به چشم می‌خورد، با همکاری کمیته انتشارات انجمن، این مسئولیت

مهمترین چالش پیش‌روی

رسانه‌های حرفه‌ای حسابداری ایران

چالش تأمین محتوای مناسب است

از شماره ۲ نشریه (زمستان ۱۳۵۵) به همت **ناهد مظفریان** (۴ شماره)، **هما امامی** (۲ شماره)، و **ایرج نجفیان** (۵ شماره) تهیه و منتشر شدند. این بخش از مطالب نشریه نیز در زمره ارزشمندترین اسناد تاریخ شفاهی انجمن و حرفه حسابداری ایران به شمار می‌آیند.

۳- مقالات تألیفی، که به قلم اعضای انجمن در موضوعهای متنوع حسابداری، مالیاتی، قوانین و مقررات تجاری، و دیگر موضوعهای مرتبط نوشته شده‌اند؛ و بعضاً نمونه‌های جالبی از سطح به‌روز دانش حسابداری نزد اهالی حرفه حسابداری ایران در حدود نیم‌قرن پیش هستند.

۴- مقالات ترجمه، که توسط اعضای انجمن و دیگر علاقه‌مندان در موضوعهای حسابداری و حتی موضوعهایی همچون اقتصاد، آمار، مدیریت، و سیستم‌های اطلاعاتی تهیه شده‌اند.

۵- گزارش رویدادها، که علاوه بر گزارش مجامع عمومی (عادی و فوق‌العاده) اعضای انجمن، شامل گزارشهای جالب توجهی از بازدید رئیس انجمن حسابداران خبره بریتانیا- احتمالاً رئیس **انجمن حسابداران خبره و رسمی (ACCA)**- از ایران و ملاقات با مسئولان انجمن حسابداران خبره ایران (مهر ۱۳۵۵)، افتتاح کتابخانه انجمن (آبان ۱۳۵۵)، برگزاری نخستین سمپوزیوم حسابداری ایران (۷ و ۸ اسفند ۱۳۵۵)، و یازدهمین کنگره جهانی حسابداران (۱۱ تا ۱۴ اکتبر ۱۹۷۷، مونیخ) است که در نوع خود بسیار خواندنی هستند.

از چندماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، به مرور فضای رادیکالی بر حرفه حسابداری ایران حاکم شد. جلوه‌هایی از این فضای رادیکال را می‌توان به وضوح در تیتیر مطالب **نشریه «حسابرس»**^۱ آن دوران دید. وقتی عنوانهای مطالب آن نشریه از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به بعد را ملاحظه می‌کنیم، آشکارا می‌بینیم که چه فضای خشم‌آلودی نسبت به کانون حسابداران

رسمی (با شدت بیشتر) و انجمن حسابداران خبره ایران (با شدت کمتر) در بین اهالی حرفه حسابداری ترویج می‌شد. در چنین فضایی که حسابداران حرفه‌ای پیش از انقلاب، از جمله مسئولان کانون و انجمن، به همدستی با حکومت طاغوت در چپاول منابع کشور متهم می‌شدند، کانون به دلیل وابستگی کامل به وزارت دارایی دوران پهلوی بلافاصله منحل شد، و انجمن به دلیل استقلالی که از نهادهای حکومتی داشت، جان سالم به‌در برد.

با این حال، فعالیتهای انجمن از جمله انتشار نشریه آن، چندسال به حالت تعلیق درآمد. تا این‌که از آذر ۱۳۶۳، چشم اعضای انجمن و حسابداران حرفه‌ای و حتی دانشگاهیان ایران به دیدن نخستین شماره دوره جدید نشریه انجمن، با عنوان جدید «**حسابدار**»، روشن شد. سرمقاله آن شماره حسابدار به نام «**شورای عالی انجمن**» انتشار یافت. ولی در شناسنامه مجله، نام دکتر **مهدی تقوی** به عنوان مدیرمسئول و سردبیر درج شده بود. به این ترتیب، این حسابدار اقتصاددان عضو انجمن، به عنوان دومین سردبیر نشریه انجمن، کار خود را آغاز کرد و تا شهریور ۱۳۶۴، در ۱۰ شماره نخست حسابدار، نام ایشان به عنوان سردبیر در شناسنامه مجله درج می‌شد. البته نام مهدی تقوی به عنوان مدیرمسئول حسابدار، نه تنها پس از آن تاریخ، بلکه تاکنون نیز همچنان بر تارک شناسنامه حسابدار مستدام بوده است. ایشان از این حیث، یکی از رکوردداران عرصه رسانه در ایران به شمار می‌آیند. چرا که تا به امروز بیش از ۳۴ سال است که مدیرمسئولی این نشریه را برعهده دارند، و شخصاً امیدوارم این عوارز شمشندان انجمن، سالهای درازی نیز پس از این، تندرست باشند و در این جایگاه نیز از برکت وجودشان بهره‌مند باشیم.

تقوی، همچون سلف خود، فریده خلعت‌بری، سردبیر دوره پاکرفتن نشریه بود. اگرچه باتوجه به فضای دولتی‌تر شده اقتصاد

کشور پس از انقلاب، که حرفه حسابداری را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود، تقوی و انجمن شاید شرایط سخت‌تری را نیز تجربه کرده باشند. زیرا پس از انقلاب، بخش درخور توجهی از شرکتهای خصوصی توسط دولت یا نهادهای انقلابی مصادره شدند. به تبع آن، منطق دولتی نیز بر حسابداری این شرکتهای چیره شد. حسابرسی آنها نیز از مؤسسه‌های حسابرسی بخش خصوصی به مؤسسه‌های حسابرسی دولتی و شبه‌دولتی واگذار شد؛ از جمله، **شرکت سهامی حسابرسی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان، و مؤسسه حسابرسی شاهد** که چندسال بعد، درهم ادغام شدند و **سازمان حسابرسی** را پدید آوردند.

در چنین شرایطی که انجمن بخش بزرگی از حامیان اصلی خود، یعنی حسابداران حرفه‌ای شاغل در بخش خصوصی، را از دست داده بود، و حتی از سوی بخش دولتی و نوظهور حرفه نیز مورد تهدید قرار می‌گرفت، تصمیم به انتشار یک ماهنامه با تحمل هزینه‌ها و تقبل گرفتاریهای خاص آن، انصافاً تصمیم‌جسورانه‌ای بود. من شخصاً به احترام کسانی که در آن سالها چنین تصمیم جسورانه‌ای گرفتند، تمام قد می‌ایستم و کلاه از سر برمی‌دارم.

هم‌نشریه انجمن (دوره قدیم) و هم شماره‌های آغازین حسابدار (دوره جدید) تا شماره ۷۱ و ۷۲، مهر و آبان ۱۳۶۹، در قطع کوچک (وزیری) و به صورت تک‌رنگ چاپ می‌شد. ولی از شماره ۷۳ و ۷۴ که در بهمن ۱۳۶۹، هم‌زمان با ایام گرامیداشت دوازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد، اعضای انجمن و دیگر خوانندگان مجله با شکل و شمایل جدیدی روبه‌رو شدند. این شماره حسابدار، به قطع بزرگ (رحلی) چاپ شد، و جلد آن نیز چهاررنگ و منقش به تصویر چرتکه و حروف مقطع و برجسته اصطلاح انگلیسی **استاندارد (Standard)** بود. در

صفحه پشت‌جلد آن، پوستر رنگی «۲۲ بهمن دهه فجر مبارک باد» دیده می‌شد. چند صفحه‌ای هم آگهی تبلیغاتی در آن گنجانده شده بود؛ از تبلیغ کامپیوترهای کیفی شارپ (لپ‌تاپ) همراه با کاربرد فارسی کواترو (که کلید حل مشکلات در زمینه محاسبات پیچیده آماری، حسابداری و حسابرسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن معرفی شده بود)، تا پرینتر سیکوشا، نرم‌افزار حسابداری امین، یوپی‌اس تولیدات، شرکت همکاران سیستم، و حتی پفک‌نمکی و آدامس شیک و بیسکوئیت‌های برند ترد و پتی‌بور و تک‌تک و اسمارتیزهای شرکت مینو، و تبلیغ پشت‌جلد که متعلق به محصولات میلیران بود. در واقع، مسئولان انجمن به این جمع‌بندی رسیده بودند که، حق عضویت اعضای حرفه که نسبت به سالهای پیشین نحیف‌تر شده بود، نمی‌توانست کفاف مخارج نشریه حرفه‌ای را بدهد. به همین دلیل، منبع درآمد جدیدی باید برای تداوم این کار ارزشمند دست‌وپا می‌شد.

از شماره ۱۱، مهر ۱۳۶۴، تا شماره ۸۹ و ۹۰، مهر و آبان ۱۳۷۱، نام سردبیر مشخصی در شناسنامه حسابدار به چشم نمی‌خورد. ولی به‌استناد اظهارات مسئولان و اعضای آن سالهای انجمن، در آن سالها، مسئولیت انتشار حسابدار برعهده دبیرکل خوش‌فکر و ارزشمند انجمن، **مجید میراسکندری**، و یکی از ارزشمندترین قلم‌به‌دستان تاریخ انجمن و مجله حسابدار، **محمد شلیله**، بوده است. در واقع، همین دو تن نیز طرح توجیهی تغییر شکل و شمایل مجله با تأمین مالی، از راه گرفتن آگهی تبلیغاتی را، تنظیم کرده و موافقت اصولی اعضای شورای عالی انجمن را نیز دریافت کرده بودند. البته نام محمد شلیله، از شماره ۹۱ و ۹۲، آذر و دی ۱۳۷۱، به‌عنوان سومین سردبیر حسابدار، به‌طور رسمی به‌شناسنامه آن افزوده شد و تا شماره ۱۰۹، مرداد ۱۳۷۴، نیز مستدام بود. طی آن سالها، مجله حسابدار از هیئت یک نشریه آماتور

تا اردیبهشت ۱۳۸۴، محسن خوش طینت از تیر ۱۳۸۴ تا آبان ۱۳۸۷، امیر پور یانسیب از دی ۱۳۸۸ تا بهمن ۱۳۹۳، پرویز روح صداقت از فروردین ۱۳۹۴ تا فروردین ۱۳۹۷، و اینجانب از اردیبهشت ۱۳۹۷ تاکنون، به عنوان سردبیر در شناسنامه حسابدار درج شده است. در فواصل بین دوران تصدی مسئولیت این افراد نیز نام فرد مشخصی با عنوان سردبیر در شناسنامه مجله ذکر نشده است. در واقع، در این فواصل، فرد یا گروهی از افراد به صورت انفرادی یا گروهی این مسئولیت را با عنوانهای دیگری به عهده داشته‌اند.

طی این مدت، هریک از این سردبیران یا هیئت‌های تحریریه، عملکرد متمایزی را از خود به نمایش گذاشته‌اند، که به وضوح در مطالب نشریه طی آن دوره‌ها قابل تشخیص است. ولی به دلیل پرهیز از اطاله کلام از ذکر جزئیات آنها پرهیز می‌کنم. فقط اجازه بدهید به یک نکته از نظر تغییر نوع چاپ مجله، طی این دوره اشاره کنم. خوانندگان مجله حسابدار حتماً به خاطر دارند که پس از تغییر قطع (اندازه) مجله از وزیری (کوچک) به رحلی (بزرگ)، متن آن - به جز جلد و صفحات آگهی‌های تبلیغاتی - همچنان تک‌رنگ و در مقطعی به صورت دورنگ چاپ می‌شد. این روند تا شماره ۲۲۷، بهمن ۱۳۸۹، ادامه داشت. ولی از شماره نروزی سال ۱۳۹۰، متن مجله نیز به صورت چهاررنگ و بر روی کاغذ گلاسه چاپ شد. این روند تا شماره نروزی ۱۳۹۷ تداوم داشت. ولی طی سال جاری در پی تغییر ناگهانی قیمت دلار و افزایش حیرت‌انگیز قیمت کاغذ (به ویژه، کاغذ گلاسه) بر اساس تصمیم شورای عالی انجمن، از شماره اردیبهشت ۱۳۹۷، متن مجله مجدداً به صورت تک‌رنگ و بر روی کاغذ تحریر چاپ می‌شود. از این طریق بود که، با توجه به صرفه‌جویی قابل توجهی که در هزینه‌های چاپ و کاغذ مجله اعمال شد، مجله حسابدار در شرایط بسیار دشوار کنونی، امکان بقا پیدا کرد.

و بعضاً درون تشکیلاتی سالهای پیشین، به جایگاه یک نشریه کاملاً حرفه‌ای و پرمحتوا و دارای استانداردهای بالای کیفی، در میان دیگر نشریات جدی کشور مبدل شد. حتی تعداد صفحات مجله نیز عمدتاً بیش از ۱۰۰ صفحه (تا ۱۳۰ صفحه) و دربردارنده مطالب تألیفی و تولیدی متنوعی بود.

از این رو، آن دوران را می‌توان دوران شکوفایی شتابنده مجله حسابدار، به عنوان جلوه‌گاه بالندگی حسابداران ایران نامید. البته باید در نظر داشت که اقتصاد ایران از جمله حرفه حسابداری نیز در دهه ۱۳۷۰ شرایط متفاوتی را تجربه می‌کرد. جنگ تحمیلی با تمام خسارتها و گرفتاریهایی که برای کشور داشت پایان یافته بود. افراطی‌گریهای اقتصادی دهه ۱۳۶۰ فروکش کرده بود. از سوی دولت مستقر، سیاستهای اقتصادی موسوم به تعدیلات اقتصادی با جهت‌گیری آزادسازی اقتصاد ایران اعمال می‌شد. بورس اوراق بهادار تهران دوباره رونق گرفته بود، و حضور نمادین و تاریخی شخص دوم مملکت (رئیس جمهور وقت) در تالار معاملات بورس برای افتتاح سامانه الکترونیکی معاملات (خرداد ۱۳۷۳) یکی از روشن‌ترین جلوه‌های تغییر نگاه دولت به اقتصاد بود. در چنین فضایی، قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی نیز در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ دی ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در ۲۹ دی ۱۳۷۲ به تأیید شورای نگهبان رسید. همه این اتفاقات برای حسابداران ایران در آن سالها، این مصرع از غزل حضرت حافظ را در ذهن تداعی می‌کرد که: بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم.

پس از محمد شلیله، به ترتیب، نام **یدالله مکرمی** از شهر یور ۱۳۷۵ تا شهر یور ۱۳۷۸، **غلامحسین دوانی** از دی ۱۳۷۸

حسابداری

درباره رسالت نشریه برایمان بگویید. مخاطبان نشریه، چه کسانی هستند؟ نحوه تأمین مطلب، و میزان علاقه‌مندی مخاطبان در برداشت از نشریه، چگونه است؟ مشارکت صاحبان اندیشه و قلم برای رساندن پیام خود به مخاطبان نشریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ خلاصه، چه چالشها و پیچیدگیهای در میان است؟

دکتر قاسمی

همانطور که در پرسش قبلی اشاره کردم، خاستگاه انتشار مجله حسابداری به تاسیس انجمن حسابداران خیره‌ایران برمی‌گردد. در واقع، رسالت مجله حسابداری را باید در ساختار و بافت هدفها و مأموریت‌های انجمن، جست‌وجو کرد. انجمن حسابداران خیره‌ایران از روز تأسیس تاکنون همواره یک انجمن «حرفه‌ای» (نه دانشگاهی و نه صنفی) بوده است. با توجه به اهمیت راهبردی این موضوع، و از آن‌جا که در موارد متعدد و گسترده‌ای، حدود مرز بین این سه نوع انجمن تخصصی، از سوی اهالی حرفه و دانشگاه خلط می‌شود، من در قالب مقاله «انجمن دانشگاهی، صنفی یا حرفه‌ای؟ مسئله این است!» (شماره ۲۸۷ و ۲۸۸، اسفند ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵، مجله حسابداری) این ویژگیها و حدود مرزهای متمایز را تشریح کردم. همچنین، در آن مقاله استدلال کردم که انجمن حسابداران خیره‌ایران از روز تأسیس تاکنون همواره یک انجمن «حرفه‌ای» (نه دانشگاهی و نه صنفی) بوده است.

خب! حالا شاید در ذهن بعضی از خوانندگان این پرسش پدید آید که این موضوع چه اهمیتی دارد؟ اهمیت این موضوع در این است که، رسالت اصلی هریک از این سه نوع انجمن، با یکدیگر تفاوت ماهوی دارد. از این رو، نشریاتی که توسط آنها منتشر می‌شوند نیز تبعاً رسالت متفاوتی خواهند داشت.

اگر خلاصه بخواهم بگویم، رسالت اصلی انجمنهای حرفه‌ای «خدمت به عموم (public)» و از راه ارائه خدمات حرفه‌ای به جامعه است. در حالی که رسالت اصلی انجمنهای دانشگاهی ارتقای دانشی است که آن را نمایندگی می‌کنند. رسالت اصلی انجمنهای صنفی نیز دفاع از حقوق صنفی اعضا (اغلب بدون توجه به منافع عموم) است.

دوستان و همکاران توجه داشته باشند که حسابداران در تمام کشورهای جهان، خود را افراد حرفه‌ای (نه صنفی) معرفی می‌کنند. آنان به جامعه می‌گویند که هدف ما، ارائه خدمات حرفه‌ای ارزش‌آفرین و مفید به شماست. تفاوت این رویکرد با رویکرد صنفی، که متأسفانه بعضی از همکاران عزیز (اغلب ناآگاهانه) در پی آن هستند، از آسمان تا زمین است. اصناف تلاش می‌کنند که با تشکیل گروه و تشکّل صنفی به دنبال گرفتن منافع هر چه بیشتر از نهادهای قدرت و کل جامعه باشند؛ ولی افراد حرفه‌ای به عموم می‌گویند که، ما می‌توانیم به شما خدمات حرفه‌ای ارزش‌آفرین و مفید ارائه کنیم.

من بارها و بارها، به دوستان و همکاران عزیز حسابداری عرض کرده‌ام که شأن حسابداران را تا حدّ نازل اهالی یک صنف پایین نیاوریم. اگر ما به دنبال سهم‌خواهی صنفی از نهادهای قدرت باشیم، این یک خطای استراتژیک است. کافی است ما خدمات ارزش‌آفرین حسابداران حرفه‌ای را به درستی به عموم (از جمله، نهادهای قدرت) معرفی کنیم. به تبع آن، منافع مادی و معنوی حسابداران حرفه‌ای نیز، تأمین خواهد شد. برای مثال، چندسالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، یک زمینه شغلی جدید با عنوان «مالی شخصی (فردی)» توسعه یافته است. اغلب افرادی که این خدمت را ارائه می‌کنند، حسابداران حرفه‌ای هستند. این متخصصان به افراد (اشخاص حقیقی) مشاوره می‌دهند که امور مالی زندگی شخصی خود را

شمارگان فعلی مجله (ده هزار جلد) در فضای کشور ما، که به دلایل متعدد، اقبال چندانی به مطالعه وجود ندارد، یک شمارگان قابل قبول است. ولی وقتی آن را با جمعیت چندمیلیونی حسابداران ایران و جامعه چهارصد هزار نفری دانشجویان حسابداری کشور (به عنوان بزرگترین جامعه دانشجویی ایران) مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که این شمارگان می‌توانست به مراتب بیشتر از این باشد. فقط به یک نکته ظریف هم باید توجه کرد. این که شمار خوانندگان مطالب حسابدار (و دیگر مجلات حسابداری حرفه‌ای) به مراتب بیشتر از شمارگان چاپ آن است. چون یک جلد مجله را اغلب چندین نفر مطالعه می‌کنند. علاوه بر این، طی سالهای اخیر گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی این امکان را پدید آورده است که نسخه‌های الکترونیکی مجله حسابدار (که با یک ماه تاخیر بر روی مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی مجله منتشر می‌شود) در دسترس گروه گسترده‌ای از مخاطبان قرار داشته باشد.

اما درباره بخش پایانی پرسش‌تان، باید اشاره کنم که در نخستین شماره نشریه انجمن حسابداران خبره ایران (پاییز ۱۳۵۵) بلافاصله پس از سرمقاله (به قلم محمدمهدی سمیعی، رئیس انجمن در تمام سالهای پیش از انقلاب) و مقاله مسعود عرفانی (تاریخچه انجمنهای حسابداری)، فراخوان جالب توجهی با عنوان «دعوت به همکاری» از سوی هیئت تحریریه نشریه به چشم می‌خورد. در این فراخوان، ضمن درخواست از خوانندگان برای ارائه پیشنهادهای دیدگاه‌های خود، از تعیین مبلغ ۴۰۰ ریال حق الزحمه برای هر صفحه مقاله ترجمه و تعیین مبلغی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ ریال حق التالیف برای مقاله‌های تالیفی اطلاع داده شده است، که می‌تواند حاکی از دغدغه گردانندگان آن زمان نشریه، برای تأمین محتوای آن باشد، دغدغه‌ای که در تمام سالهای بعد (تاکنون) نیز همواره وجود داشته است. به عبارت دیگر، به رغم

چه طور سامان بدهند تا زندگی بهتری داشته باشند؛ یا چه طور برنامه‌ریزی مالی کنند که به هدفهای مشخص خود دست یابند. این تفاوت حرفه با صنف است. وقتی چنین خدمتی به جامعه معرفی شود، این جامعه است که به دنبال افراد حرفه‌ای می‌آید. به تبع آن، منافع مادی و معنوی آنان نیز تأمین خواهد شد.

در چنین چارچوبی، هدف اصلی مجله حسابدار نیز خدمت به عموم (جامعه) تعریف شده است. حسابدار به دنبال آن است که دانش کاربردی و مهارت‌های حسابداران حرفه‌ای ایرانی را به منظور ارائه خدمات حرفه‌ای به عموم ارتقا بخشد؛ و در عین حال، خدمات ارزش آفرین حسابداران حرفه‌ای را به عموم معرفی کند. در این راستا، مطالب منتشر شده در حسابدار، هم شامل دانش روز حسابداری جهان (ترجمه متون باکیفیت منتشر شده در نشریات معتبر جهان) و هم شامل مطالب تالیفی توسط حسابداران ایرانی است. البته علاوه بر این، اخبار حرفه حسابداری ایران و جهان نیز به صورت مستمر در حسابدار، پوشش داده می‌شود؛ و به طور ویژه، همه رویدادهای حرفه‌ای برگزار شده توسط انجمن (همایشها، آیینهای گرامیداشت، و مجامع عمومی اعضا) نیز در طول پنج‌دهه گذشته در شمارگان مختلف حسابدار گزارش شده‌اند.

در ارتباط با میزان علاقه‌مندی مخاطبان مجله حسابدار، برداشت شخصی من این است که حسابدار جایگاه ویژه‌ای در بین اعضای انجمن و نخبگان حرفه حسابداری ایران دارد. با این حال، شخصاً معتقدم که دامنه نفوذ این مجله می‌توانست به مراتب بیشتر از وضعیت فعلی باشد. البته محدودیت‌های انجمن به عنوان یک انجمن کاملاً مردم‌نهاد و بدون وابستگی به هیچ نهاد دولتی و غیردولتی را نیز باید در نظر داشت. مجله حسابدار همانند خود انجمن، همواره متکی به منابع خرد گردآوری شده از اعضا و مشترکان بوده است.

تصوری که کمابیش نزد خوانندگان مجله حسابدار وجود دارد (مبنی بر این که چاپ مقاله در مجله دشوار است)، مجله حسابدار همواره با کمبود مقاله مناسب روبرو بوده است. یعنی هیچگاه این طور نبوده است که مقاله مناسبی به تحریریه مجله ارسال شود و از چاپ آن استقبال نشود. تا جایی که من اطلاع دارم، این چالش همواره پیش روی دو نشریه حسابداری حرفه‌ای دیگر ایران (حسابرس و حسابدار رسمی) نیز بوده است.

در این ارتباط چند نکته بااهمیت وجود دارد که تلاش می‌کنم به اختصار مطرح کنم. نخستین نکته به مطلبی برمی‌گردد که ابتدای گفتگو به آن اشاره کردم. یعنی باید توجه داشت که مجلات حسابدار، حسابرس و حسابدار رسمی، هر سه، مجلات «حرفه‌ای» (نه دانشگاهی و نه صنفی) هستند. پس ضرورتاً باید مطالب «حرفه‌ای» (نه دانشگاهی و نه صنفی) در آنها منتشر شود. یک معضل بسیار بزرگ که به‌ویژه طی سالهای اخیر گریبانگیر این سه نشریه شده است، سیل مقاله‌های علمی- پژوهشی (گزارش پایان‌نامه‌های دانشگاهی) است که طی سالهای اخیر روانه تحریریه این مجلات می‌شوند؛ و بدیهی است که هر سه این مجلات از چاپ این قبیل مقاله‌ها معذور هستند. زیرا این قبیل مقاله‌ها ضرورتاً باید در مجلات علمی- پژوهشی که زیر نظر یک هیئت علمی دانشگاهی اداره می‌شوند، ارزیابی و منتشر شوند.

البته در گذشته‌های دور که شمار مجلات علمی- پژوهشی حسابداری و شمار دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در کشور انگشت‌شمار بود، بعضاً این قبیل مقاله‌ها در مجله حسابدار چاپ می‌شد. ولی در سالهای اخیر، از پذیرش همگی این قبیل مقاله‌ها عذرخواهی می‌شود. البته همچنان، تقریباً روزی نیست که چندین مورد از آنها به تحریریه مجله ارسال نشود. اغلب نویسندگان این مقاله‌ها نیز از پذیرش نشدن مقاله‌شان دلخور و گله‌مند می‌شوند. شخصاً

بارها با این گله و دلخوری از سوی اعضای انجمن مواجه شده‌ام که به‌عنوان عضو انجمن انتظار دارند مقاله پایان‌نامه‌شان در مجله حسابدار چاپ شود. این در حالی است که حدود ۳۰ درصد از ده‌هزار عضو انجمن، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری هستند. یعنی اگر قرار بود، مقاله پایان‌نامه همه این عزیزان در مجله حسابدار چاپ شود، تعداد این حدود سه‌هزارمقاله از کل مقالات چاپ‌شده در مجله (از ۱۳۵۵ تاکنون) بیشتر می‌شد. از سوی دیگر، با توجه به سهولت حیرت‌انگیز ادامه تحصیل متقاضیان تحصیلات تکمیلی طی سالهای اخیر، این نسبت، به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. پس اگر قرار باشد مقاله پایان‌نامه دانشگاهی این عزیزان در حسابدار چاپ شود، دیگر فضایی برای چاپ مقاله‌های حرفه‌ای (که رسالت اصلی مجله است)، باقی نخواهد ماند. مخلص کلام این که؛ حتی اگر رسالت اصلی مجله حسابدار را نیز در نظر بگیریم، اساساً امکان چاپ این حجم گسترده از مقالات علمی- پژوهشی در مجله وجود ندارد.

از سوی دیگر، حسابداران حرفه‌ای شاغل در زمینه‌های مختلف حسابداری کشور، که اغلب از دانش و تجربیات بسیار ارزشمندی برخوردار هستند، عمدتاً یا علاقه‌ای به نوشتن مقاله‌های حرفه‌ای و انتقال تجربیات خود ندارند، یا اگر علاقه‌مند هستند، به دلیل مشغله زیاد یا دلایل دیگر، بسیار کم‌کارند. البته تعداد بسیار محدودی از بزرگواران هم در این بین هستند که در تمام سالیان گذشته به‌رغم همه مشغله‌های فراوانی که داشته‌اند، همیشه بخشی از وقت خود را به نوشتن مقاله‌های حرفه‌ای ارزشمند اختصاص داده‌اند، و حیات این سه مجله حرفه‌ای حسابداری ایران تماماً و امدار قلم این بزرگواران بوده است.

سابق

تحلیل شما از وضعیت ادبیات حسابداری حرفه‌ای کشور چیست؟ حرفه حسابداری از نظر دانش، مهارت‌ها، و

برای ایفای بهتر رسالتمان در

خدمتگزاری به عموم

باید بیشتر به بخش عمومی و دولتی پردازیم

دانش و حرفه وارداتی و در عین حال جهان شمول است. مفاهیم حسابداری بیرون از مرزهای کشور ما ایجاد شده و پرورش پیدا کرده‌اند. امیدوارم این بحث با اشاره برخی عزیزان به سابقه چندصدساله و حتی چندهزارساله مظاهر سیاق نویسی، انبارداری، مالیات‌ستانی، بازرسی، ...، در ایران باستان به انحراف کشیده نشود. همه این پیشینه ارزشمند درست است؛ ولی دانش و حرفه‌ای که ما امروز به‌عنوان حسابداری می‌شناسیم هیچ پیشینه‌ای در ایران نداشته و تماماً وارداتی است. از این رو، برای این‌که ما در حسابداری ایران موفق شویم و عیناً همان مفاهیم توسعه یافته در حسابداری کشورهای خاستگاه حسابداری (عمدتاً انگلستان و آمریکا) را به داخل کشور منتقل کنیم، ضرورتاً باید یک نظام اصطلاح‌شناسی تخصصی پذیرفته‌همگانی را در حسابداری ایران (به زبان فارسی) مستقر کنیم. این اقدام در همان کشورهای خاستگاه حسابداری نیز انجام شده است. فقط کافیست ما نیز از تمام اجزای آن به‌درستی الگوبرداری کنیم، و از دخل و تصرف‌های عمدتاً مخرب پرهیزیم.

در ارتباط با این نظام اصطلاح‌شناسی دو نکته بنیادی وجود دارد که تلاش می‌کنم به‌اختصار به آنها اشاره کنم. نخست این‌که، مسئولیت استقرار و هدایت این نظام باید برعهده یک نهاد رسمی و ذی‌نفوذ بر حرفه و دانشگاه‌های کشور باشد که

ارزشهای حرفه‌ای چه نقاطضعف و قوتی دارد و نیاز و تقاضای حسابداران حرفه‌ای به اطلاعات و مطالب مرتبط با دانش، مهارت‌ها، و ارزشهای حرفه‌ای را چگونه می‌بینید؟

دکتر قاسمی

اگر صریح و بدون ملاحظات معمول بخواهم پاسخ بدهم، باید بگویم وضعیت ادبیات حسابداری ایران (چه حرفه‌ای و چه دانشگاهی) وخیم است. اوضاع به قدری نامناسب است که حتی از صفت «بد» نمی‌شود برای توصیف آن، استفاده کرد. حتماً باید از صفت‌های شدیدتری استفاده کرد تا بتوان وخامت اوضاع را نشان داد. در این بحث، من به بخش دانشگاهی ادبیات حسابداری نمی‌پردازم. فقط همین قدر می‌گویم که وخامت اوضاع در آن بخش بیشتر و در حدی فاجعه‌بار است. بسیاری از معضلاتی که گریبانگیر ادبیات حرفه‌ای شده است، ریشه‌اش به ضعف‌های بنیادین دانشگاه‌ها برمی‌گردد. ولی اجازه بدهید، فعلاً از این بحث بگذریم.

به نظرم بزرگترین مسئله‌ای که در ادبیات حسابداری ایران از ابتدای ورود حسابداری مدرن (اواسط دوران قاجار) تا به حال وجود داشته، و طی این قریب به ۱۵۰ سال گذشته، تلاش نظام‌مندی برای مرتفع کردن آن نشده، نبود یک نظام اصطلاح‌شناسی تخصصی پذیرفته‌شده همگانی در حسابداری ایران، بوده است. توجه داشته‌باشیم که حسابداری،

خروجی آن (یعنی همان اصطلاحات تخصصی) در حرفه و دانشگاه‌ها به صورت همگانی مورد پذیرش قرار گیرد. به همین دلیل، معمولاً نهادهای استانداردگذار هر کشور یا نهادهای استانداردگذار بین‌المللی این مسئولیت را ایفا می‌کنند. دلیل هم واضح است، چون وقتی خروجی این نظام اصطلاح‌شناسی تخصصی در استانداردهای حسابداری و حسابرسی آن کشور (یا در سطح بین‌المللی) وارد می‌شود، آن پذیرفتگی همگانی محقق می‌شود.

دوم این‌که، شالوده این نظام اصطلاح‌شناسی این است که مفاهیم و اصطلاحات تخصصی حسابداری را ضرورتاً باید یک‌به‌یک کنیم. یعنی برای اشاره به هر مفهوم تخصصی حسابداری باید الزاماً و فقط از یک اصطلاح تخصصی حسابداری استفاده کنیم. مثلاً، وقتی ما یک متن تخصصی حسابداری به زبان انگلیسی را می‌خوانیم، هنگامی که با اصطلاح «expense» روبرو می‌شویم، فقط مفهوم «expense» به ذهن مان متبادر می‌شود (نه «cost» یا «expenditure» یا هیچ اصطلاح دیگری). ولی وقتی در یک متن تخصصی حسابداری به زبان فارسی با اصطلاح «هزینه» روبرو می‌شویم، برایمان خیلی روشن نیست که این اصطلاح واقعاً همان «expense» به زبان انگلیسی است؛ یا «cost» یا «expenditure» یا اصطلاح دیگری است.

نکته مهمی که در این فرایند یک‌به‌یک کردن مفاهیم و اصطلاحات تخصصی باید در نظر داشته باشیم، این است که این قاعده را باید به مشتقات آن اصطلاحات تخصصی نیز تعمیم بدهیم. برای مثال، اگر قرار است ما از اصطلاح «بهای تمام‌شده» برای «cost» استفاده کنیم، دیگر نمی‌توانیم به «costing» بگوییم «هزینه‌یابی». یا مثلاً، اگر قرار است از اصطلاح «حساب» برای «account» استفاده کنیم، دیگر نمی‌توانیم به «accountable»

بگوییم «پاسخگو» یا نمی‌توانیم به «accountability» بگوییم «پاسخگویی». شاید تعجب کنید، ولی حتی به «auditing» هم نمی‌توانیم «حسابرسی» بگوییم. زیرا حسابرسی مشتق از «حساب» است، ولی «auditing» مشتق از «account» نیست. اینها ظریفی است که شاید در ابتدا کم‌اهمیت و حتی به نظر برخی حسابداران حرفه‌ای و دانشگاهیان، لوکس به نظر برسد. ولی عمده مسائل و مشکلات ادراکی و شناختی ما در حسابداری ایران، از بی‌توجهی یا کم‌توجهی به همین ظرایف نشأت می‌گیرند. مثلاً وقتی ما به «auditing» می‌گوییم «حسابرسی»، یعنی آن را محدود به رسیدگی به «حساب» (یا همان صورتهای مالی) می‌کنیم، دیگر درک «حسابرسی عملیاتی» یا «حسابرسی رعایت» برایمان دشوار می‌شود. چرا که در آن دو حسابرسی، دیگر «حساب» در کار نیست که به آن رسیدگی کنیم، و موضوع رسیدگی، اساساً چیز دیگری است. اصلاً شاید به همین خاطر است که اغلب حسابرسان داخلی ما، همان‌کار حسابرسان مستقل را انجام می‌دهند و به سایر وظایف حسابرسان داخلی (حسابرسی عملیاتی، حسابرسی رعایت، خدمات مشاوره) توجه نمی‌کنند.

دومین معضل بنیادی که سالهاست گریبانگیر ادبیات حسابداری ایران شده است، بی‌توجهی نهادینه نسبت به «حقوق مؤلف» است. این‌که می‌گوییم «نهادینه»، به این دلیل است که این بی‌توجهی از همان ابتدا در دانشگاه‌ها به صورت گسترده و فراگیر، در ذهن دانشجویان نهادینه می‌شود. از کتابهای درسی و غیردرسی متعدد و متنوعی که توسط افراد مختلف (دانشگاهی و حرفه‌ای) ترجمه می‌شوند، ولی با عنوان نویسنده یا مؤلف چاپ و منتشر می‌شوند که بگذریم، در اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه‌ها، در مقاطع تحصیلات تکمیلی، یکی از تکالیف متعارفی که در دروس مختلف تخصصی از دانشجویان می‌خواهند، اینست که بروند چند مقاله را پیدا کنند و ترجمه کنند و آنها را با هم مخلوط

ارجاع می‌دهد! شاید برایتان عجیب باشد، ولی من طی حدود ده سال گذشته که از نزدیک با مجله حسابداری همکاری داشته‌ام، به‌وفور با چنین مواردی روبرو شده‌ام. عمده منابع فارسی که در فهرست منابع مقاله‌ها و حتی کتابهای حسابداری به زبان فارسی می‌بینیم، از این دست هستند.

نکته پایانی که در پاسخ به این پرسش می‌خواهم به آن اشاره کنم، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به دستورخط و دستورزبان فارسی در نوشتن مقاله‌های حسابداری است. البته منظورم این نیست که این بی‌توجهی یا کم‌توجهی ویژه مقاله‌های حسابداری است، یا در مقاله‌های حسابداری بیشتر از دیگر مقاله‌ها است. بلکه متأسفانه این یک معضل عمومی در ادبیات تخصصی علوم و فنون مختلف در کشور است، که گریبانگیر حسابداری نیز شده است.

اما درباره بخش دوم پرسش شما، باید اشاره کنم، برداشت من این است که تقاضای حسابداران حرفه‌ای به اطلاعات و مطالب مرتبط با دانش، مهارتها، و ارزشهای حرفه‌ای، آن‌طور که باید و شاید نیست. بخش بزرگی از جامعه حسابداران که در رده‌های مختلف حسابداری شرکتها و مؤسسه‌ها مشغول به کار هستند، عموماً مسائل مالیاتی و رعایت قوانین و مقررات حاکم بر کسب و کار کارفرما برایشان اهمیت دارد. به نسبت این بخش، در مؤسسه‌های حسابرسی، علاقه و نیاز به آموختن مطالب تخصصی بیشتر است. ولی در آن‌جا هم عموم مطالب مورد علاقه این عزیزان به استانداردها و قوانین و مقررات مختلف محدود می‌شود.

این در حالی است که در همین چند سال اخیر موضوعهای مورد توجه حرفه حسابداری، در سطح بین‌المللی با یک دگرگونی اساسی روبرو بوده است، که تجلی آن‌را در موضوع سخنرانیهای بیستمین کنگره جهانی حسابداران (سیدنی، ۲۰۱۸) دیدیم. در هر حال، مجلات حسابداری حرفه‌ای ایران؛ از جمله حسابدار، به ایفای رسالت خود در این زمینه پایبند بوده‌اند،

کنند و بعد به نام خودشان به استاد تحویل بدهند. بعضاً همین مقاله‌ها، بعد از اضافه شدن نام استاد به عنوان نفر اول، برای چاپ به مجلات مختلف هم ارسال می‌شوند.

این سطح گسترده و سیستماتیک سرقت علمی در کشور، واقعاً شرم‌آور است. کاملاً هم برایمان عادی شده است. به طوری که وقتی به این قبیل مقاله‌ها ایراد گرفته می‌شود، مورد اعتراض واقع می‌شود. مثلاً همین چند ماه پیش، یکی از همکاران، یک مقاله امریکایی درباره کمیته حسابرسی را ترجمه و انتهای آن چند سطر به وضعیت ایران اشاره کرده بود و بدون اشاره به منبع اصلی، به نام خودش برای چاپ در مجله حسابدار فرستاده بود. حدود ۹۰ درصد مقاله از منبع امریکایی بود!

در این موارد، شیوه درست این است که مقاله را بی‌کم و کاست ترجمه کنیم، و اگر می‌خواهیم به چیزی اشاره کنیم، آن توضیحات را به عنوان یادداشت مترجم در پی نوشت مقاله بیاوریم. ما فقط وقتی مجازیم از نوشته‌های دیگران در مقاله‌مان استفاده کنیم، که اولاً به درستی به آنها ارجاع بدهیم، و ثانیاً، ایده اصلی مقاله از خودمان باشد، و از آن مطالب فقط برای تقویت ایده اصلی خودمان استفاده کنیم، نه این‌که این وضعیت کاملاً وارونه باشد. یعنی ایده اصلی مقاله کاملاً متعلق به دیگران باشد و ما که مدعی نویسندگی یا تألیف مقاله هستیم، فقط نظرات خودمان را در تأیید ایده‌های دیگران مطرح کنیم. این مقاله‌نویسی نیست!

معضل فراگیر دیگری هم در ارجاع‌دهی به منابع وجود دارد. مثلاً، من یک مقاله‌ای درباره حسابداری نوشته‌ام که در آن از تعریف انجمن حسابداران رسمی آمریکا از حسابداری استفاده کرده‌ام. بعد دوست دیگری می‌آید و یک مقاله دیگر می‌نویسد و از همان تعریف در مقاله‌اش استفاده می‌کند. ولی به جای آن‌که به انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ارجاع بدهد، به مقاله من

مجله حسابداری جایگاه ویژه‌ای در بین اعضای انجمن و نخبگان حرفه حسابداری ایران دارد

تلاش‌های فردی استثنای عملکرد این مجلات نیز چندان قابل دفاع نبوده است. زیرا همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم، استقرار این نظام اصطلاح‌شناسی تخصصی، از جمله وظایف نهادهای رسمی و ذی‌نفوذ بر حرفه و دانشگاه است. بنابراین، هر تلاشی هم‌اگر در مجلات حرفه‌ای انجام شود، جنبه پذیرفته‌همگانی پیدا نخواهد کرد و محل نزاع خواهد بود. از جمله می‌توان به تلاش‌های آقای دکتر امیر پوریانسب (سر دبیر اسبق مجله حسابداری) اشاره کرد که طی سالیان متمادی با نوشتن مجموعه مقاله‌های اصطلاح‌شناسی در مجله حسابداری انجام دادند. این تلاش‌های ارزشمند هرچند عموماً از راه علمی (اثباتی) انجام شده‌اند، ولی به دلیل آن‌که تلاش فردی (غیررسمی) بوده‌اند، آن‌طور که باید و شاید پذیرفته‌همگانی نشده‌اند. منظورم این نیست که مطلقاً بی‌تاثیر بوده‌اند، بلکه منظورم این است که اگر همین تلاش در چارچوب یک نهاد رسمی و ذی‌نفوذ انجام می‌شد، می‌توانست کارکرد مورد انتظار را داشته باشد.

حسابداری

چه موانع مهمی بر سر راه رسانه‌های حرفه‌ای حسابداری برای ایفای مؤثر نقش‌شان وجود دارد؟ چگونه ممکن است بر این موانع غلبه کرد؟

و همواره به موضوعهای جدید مطرح در سطح بین‌المللی حسابداری نیز پرداخته‌اند.

حسابداری

به نظر شما نقش نشریه‌های حسابداری در ارتقای ادبیات حسابداری حرفه‌ای، و تأمین نیازها و تقاضای حسابداران حرفه‌ای چگونه بوده است؟

دکتر قاسمی

بدون تردید نقش آنها اساسی و حیاتی است. حرفه و دانشگاه‌های حسابداری ایران، از نظر تأمین محتوا، طی چهارده گذشته، بخش بزرگی از داشته‌های خود را وام‌دار مجله حسابداری و بعدها مجلات حسابرس و حسابداری رسمی بوده‌اند. این یک ادعای بدون پشتوانه نیست. با مراجعه به موضوع مقاله‌های این مجلات طی این دوران، به وضوح می‌بینیم که بسیاری از موضوعها و مفاهیم حسابداری ابتدا از مقاله‌های منتشرشده در مجلات حرفه‌ای، به محافل حرفه‌ای و دانشگاهی و حتی نهادهای تأثیرگذار راه یافته‌اند. در ارتباط با برخی موضوعها و مفاهیم، حتی تنها منابع در دسترس حسابداران حرفه‌ای و دانشگاهیان همین مجلات بوده‌اند، و منبع دیگری وجود نداشته است.

ولی از نظر کمک به استقرار نظام اصطلاح‌شناسی تخصصی پذیرفته‌همگانی در حسابداری ایران، به جز

دکتر قاسمی

شخصاً مهمترین چالش پیش روی رسانه‌های حرفه‌ای حسابداری ایران، و مشخصاً مجلات حرفه‌ای، را چالش تأمین محتوای مناسب می‌دانم. البته این، به معنی کم‌اهمیت بودن چالش‌های دیگر (که به دومورد از آنها در ادامه اشاره خواهیم کرد) نیست. ولی حیات هر رسانه، از جمله مجلات حرفه‌ای حسابداری، بستگی تنگاتنگ به فرایند مستمر تولید محتوای مناسب دارد. حتی چالش‌های دیگر را به نوعی می‌توان منبعث و متأثر از این چالش اصلی و اولیه دانست. به دلایل متعددی، که به برخی از آنها در پاسخ به پرسش‌های قبلی اشاره کرده‌ام، فرایند تولید محتوای مناسب در همه مجلات حرفه‌ای حسابداری ایران همواره با اختلال روبه‌رو بوده است. ما همواره با کمبود نویسنده و مترجم توانمند روبه‌رو بوده‌ایم. به همین دلیل، ما همواره با نبود تنوع موضوعی مورد علاقه خوانندگان، روبه‌رو بوده‌ایم. البته از راه شناسایی افراد علاقه‌مند به نوشتن در حرفه و آموزش گروهی و حتی نفر به نفر آنان، تاحدودی می‌شود نسل جدیدی از نویسندگان توانمند را برای حسابداری ایران پرورش داد؛ همانند نسل فعلی نویسندگان ایران که عمدتاً محصولات استقرار چنین رویه‌ای در گذشته بوده‌اند.

چالش مهم دیگر، چالش ضریب نفوذ این مجلات است. همان‌طور که در قبل هم، اشاره کردم، شمارگان مجلات ما هیچ تناسبی با جمعیت بسیار بزرگ حسابداران و دانشجویان حسابداری ایران ندارد. جامعه حسابداران ایران آن قدر بزرگ و آن قدر پرخبر و پررویداد است که ما حتی می‌توانستیم یک روزنامه پرتیراژ و اختصاصی برای آنان داشته باشیم. ولی همین شمارگان محدود این سه مجله نیز در فروش از طریق کیوسک‌های روزنامه‌فروشی کاملاً ناکام بوده و به‌طور عمده، بین گروه ثابت و بسیار محدودی از مخاطبان توزیع می‌شوند.

از چالش عمومی میانگین پایین سرانه مطالعه در ایران که صرف‌نظر کنیم، شاید یکی از مهمترین دلایل پایین بودن ضریب نفوذ مجلات حسابداری ایران وجود شکاف بین انتظارات حسابداران حرفه‌ای و محتوای مجلات حرفه‌ای باشد. برای مثال، همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، اصلی‌ترین موضوع مورد علاقه گروه بزرگی از حسابداران ایران، موضوعات مالیاتی است. ولی با نگاهی‌گذرا به مجلات حرفه‌ای حسابداری ایران، از جمله مجله حسابدار، می‌بینیم که مقاله‌ها و یادداشت‌ها و میزگردها و دیگر مطالب مرتبط با موضوعات مالیاتی، سهم بسیار ناچیزی از مطالب این مجلات را دربرمی‌گیرند. این درحالی‌است که حتی معتبرترین مجلات حرفه‌ای جهان، مثل *سی‌پی‌ای ژورنال* (The CPA Journal)، نشریه جامعه حسابداران رسمی ایالت نیویورک، نیز بخش قابل توجهی از صفحات خود را به موضوعات مالیاتی اختصاص می‌دهند، و حتی مجلات تخصصی مثل *تکس ادوایزر* (The Tax Advisor)، نشریه انجمن حسابداران رسمی آمریکا، برای پرداختن به این موضوع منتشر می‌شود.

در این جا شاید برخی از خوانندگان نکته‌بین بگویند: تو که لایبی بلدی چرا خوابت نمی‌برد؟ و چرا در مجله حسابدار هم، مطالب مالیاتی ناچیز است؟ دلیل آن روشن، و همان چالش نخست‌است. یعنی متخصصان مالیاتی هم کم‌شمار هستند، و هم عموماً به نوشتن مقاله و یادداشت درباره موضوعات مالیاتی علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. من شخصاً بارها از بزرگوارانی که می‌شناختم درخواست کرده‌ام که مسئولیت ستون ثابتی را در مجله حسابدار بر عهده بگیرند و در آن به تأمین محتوای مالیاتی بپردازند، یا دست‌کم هر از گاهی یک مقاله یا یادداشت مالیاتی برای انتشار در مجله بنویسند. ولی تا به حال هیچ‌کدام از این عزیزان به این درخواست پاسخ نداده‌اند.

باز است، و به جز مقاله‌های علمی- پژوهشی و مقاله‌هایی که حقوق مؤلف در آنها رعایت نمی‌شود، از سایر مقاله‌های کاربردی و حرفه‌ای، در موضوعهای متنوع موردعلاقه حسابداران استقبال می‌کنند.

پس از آن که محتوای این مجلات خواندنی‌تر شدند، راهکار مؤثر تکمیلی برای افزایش ضریب نفوذ آنها، استفاده از امکانات فضای مجازی و حتی شبکه‌های اجتماعی است. چنانچه این سازوکار به‌درستی طراحی و مستقر شود، از راه افزایش شمار مخاطبان آنها، حتی می‌توان هزینه دسترسی به آنها را به صفر رساند. به عبارت دیگر، اگر مخاطبان یک رسانه به سمت بی‌نهایت میل کند، هزینه دسترسی مخاطبان به مطالب آن رسانه ممکن است به سمت صفر میل کند. این معادله در ارتباط با رسانه‌های فعال در فضای مجازی کاملاً صدق می‌کند (چون هزینه متغیر چاپ و کاغذ ندارند).

فرض کنید همین مجله حسابرس، ظرف سالهای آینده به صورت کاملاً الکترونیکی منتشر شود و مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی آن، روزانه چندده هزار و حتی چندصد هزار بازدید داشته باشد. در چنین حالتی، از محل آگهی‌های تبلیغاتی که می‌شود بر روی آن پایگاه اطلاع‌رسانی دریافت کرد، کل هزینه‌های این رسانه تأمین خواهد شد. بنابراین، می‌توان آن را به رایگان در اختیار مخاطبان قرار داد. حتی بهتر است این کار (توزیع رایگان) انجام شود! چون اگر دسترسی به آن رایگان باشد شمار بازدیدها افزایش خواهد یافت و به همان نسبت، برای جذب آگهی‌های تبلیغاتی جذاب‌تر خواهد شد. ما مدتی است که در حال پیاده‌سازی همین سازوکار برای مجله حسابدار هستیم. بدین ترتیب که کل آرشیو مجله حسابدار (از پاییز ۱۳۵۵ تاکنون) را تا پایان امسال (۱۳۹۷) بر روی مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی اختصاصی آن (hesabdar.iica.ir) بارگذاری خواهیم کرد؛ و

این جا هم، بار دیگر از همه متخصصان مالیاتی این درخواست را مطرح می‌کنم، و امیدوارم مورد استجاب قرار گیرد.

به تبع دو چالش قبلی، منابع مالی و انسانی این مجلات نیز بسیار نحیف، نابسند و شکننده هستند، به طوری که با کوچکترین نوسانی در هزینه‌های آنها، بعضاً کل موجودیت مجله با مخاطره روبه‌رو می‌شود. راه‌حل بنیادین این معضل هم، این است که این مجلات از نظر گروه بزرگی از حسابداران ایرانی خواندنی‌تر شده و حاضر بشوند برای خرید آنها پول بپردازند. در این صورت، مسائل و مشکلات مالی این مجلات نیز به صورت ریشه‌ای مرتفع خواهد شد.

حسابداری

با درک این چالشها، برای افزایش شمار خوانندگان نشریه‌های حرفه‌ای حسابداری چه باید کرد؟

دکتر قاسمی

مؤثرترین راهکار این است که شکاف بین انتظارات حسابداران ایرانی و مطالب منتشره در این مجلات کمتر شود. البته به هیچ وجه منظورم این نیست که تمام محتوای این مجلات منطبق با ذائقه حسابداران کشور تأمین شود. چون این مجلات به هر حال رسالت دارند تا به موضوعات نوین مطرح در سطح بین‌المللی نیز بپردازند؛ ولی نه تا بدان جا که در یک جهان متفاوت از جهان حسابداران ایرانی سیر کنند. من بار دیگر این جا، به چالش تأمین محتوای مناسب برای مجلات حرفه‌ای حسابداری ایران اشاره می‌کنم؛ و از عزیزان منتقد مجلات درخواست دارم که خودشان دست به قلم بشوند و درباره موضوعهایی که به نظرشان برای جامعه حسابداران ایران کاربردی‌تر و مناسب‌تر است، مقاله‌ویادداشت بنویسند و برای انتشار به این مجلات بفرستند. مسلماً صفحات همه مجلات حرفه‌ای حسابداری ایران به روی چنین مقاله‌هایی

مطالعه خود را محدود به متون تخصصی حسابداری نکنیم ما هر چه بیشتر و متنوع تر بخوانیم به تقویت اندیشه مان بیشتر کمک می کنیم

به دلایل مختلف، رغبتی به نوشتن ندارند. از سوی مقابل، تعداد قابل توجهی از کسانی که ایده خاصی برای انتقال به مخاطبان ندارند، به دلایل مختلف، رغبت بسیار زیادی به نوشتن دارند!

پیشنهاد دوستانه ام به عزیزان گروه دوم این است که، تا جایی که می توانند مطالعه کنند، تا جایی که می توانند نوشته های خوب (چه تخصصی و چه غیر تخصصی) بخوانند، و تا جایی که می توانند از خواندن نوشته های بد پرهیز کنند. خواندن نوشته های ضعیف ذائقه خواننده را تخریب می کند؛ و قلم نویسندگان جوان را به انحراف می کشاند. شاید عزیزان پرسند که از کجا تشخیص بدهیم که چه نوشته ای ضعیف است و چه نوشته ای قوی است؟ یک معیار این است که مقاله های مجلات معتبر را مطالعه کنیم.

برای مثال، همین مجله سی پی ای ژورنال (نشریه جامعه حسابداران رسمی ایالت نیویورک) که در قبل هم، به آن اشاره کردم؛ اگر صفحات آغازین هر شماره اش را ملاحظه کنید، نزدیک به ۹۰ ویرایشگر برجسته و متخصص دارد! برای ما باور نکردنی است. بی دلیل نیست مقاله هایی که در این مجله

هر شماره جدید مجله را هم فعلاً با یک ماه تاخیر، از آن طریق به صورت رایگان در دسترس همه مخاطبان می گذاریم. ولی هدف نهایی مان، این است که مجله را به روز و به طور رایگان، به شیوه الکترونیکی منتشر کنیم. این راه محتوم ادامه حیات همه نشریات است. هم اکنون حتی پرتیراژترین روزنامه های کشور هم، عمدتاً از طریق فضای مجازی منتشر می شوند و انتشار نسخه کاغذی آنها سیر نزولی داشته است.

سابقاً

با توجه به اهمیت موضوع، و با پذیرش همه آن چه درباره محدودیتهای مشارکت صاحب نظران در تأمین مطلب مطرح کردید، برای جلب مشارکت صاحبان اندیشه و قلم (در حوزه حسابداری) برای انتقال پیام و نظرات و دیدگاه شان از طریق نشریات حسابداری چه باید کرد؟

دکتر قاسمی

راستش را بخواهید من شخصاً حتی راهکار التماس را هم امتحان کرده ام؛ (با خنده) ولی جواب نگرفته ام! مسئله این جاست که بخش عمده ای از صاحبان اندیشه و تجربه،

حسابرس

دست‌اندرکاران مجله حسابرس هم تلاش زیادی می‌کنند که برای مشکلات راه‌حل مناسب پیدا کنند. به نظر شما، به‌عنوان یک کارشناس مستقل، مجله حسابرس، با توجه به دامنه رسالت و هدفهایی که دارد، برای بهبود کیفیت و ارتقای نقش و اثربخشی خود چه باید بکند؟

دکتر قاسمی

مجله حسابرس، به‌ویژه با هدایت استاد بزرگوارم، آقای دکتر مکرمی، که در مقطعی سردبیر مجله حسابدار و عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران هم بوده‌اند، یکی از ارزشمندترین رسانه‌های حسابداران ایران است. من شخصاً از خوانندگان وفادار این مجله در تمام بیست سال گذشته بوده‌ام. روزی که آقای دکتر مکرمی برای اطلاع انجام این مصاحبه تماس گرفتند، خدمت ایشان هم اشاره کردم که من دقیقاً روزی که اولین شماره مجله حسابرس را خریدم، به‌خوبی به یاد دارم، و الان حقیقتاً مفتخرم که در ویژه‌نامه بیست‌سالگی و صدمین شماره این نشریه ارزشمند، این افتخار را پیدا کرده‌ام که مشارکتی هرچند ناچیز داشته باشم.

آن‌زمان، من دانشجوی مقطع کارشناسی حسابداری بودم و تنها نشریه حرفه حسابداری ایران مجله حسابدار بود. یک‌روز که برای خریدن کتابهای سازمان حسابرسی به فروشگاه خیابان زرتشت رفته بودم، وقتی دیدم که یک مجله هم به‌اسم حسابرس منتشر شده است، واقعاً ذوق‌زده شدم و بلافاصله آن را خریدم. از آن‌روز یکی از خوانندگان همیشگی مجله حسابرس بوده‌ام، و از برخی از نویسندگان و مترجمان این مجله بسیار الگو گرفته‌ام و بسیار آموخته‌ام.

من به‌عنوان یک حسابدار ایرانی بسیار علاقه‌مند به حسابداری و بسیار علاقه‌مندتر به کشور عزیزم، ایران؛ همه پیشنهادهایی

منتشر می‌شوند، هم از نظر محتوا و هم از نظر فرم (رعایت استاندارد مقاله‌نویسی و دستورخط و دست‌ورزبان انگلیسی)، چنین ممتاز هستند.


البته اگر دوستان توانایی مطالعه مقاله‌ها به زبان انگلیسی را ندارند، می‌توانند مقاله‌های نویسندگان معتبر داخلی را بخوانند که در مجلات معتبر ایرانی منتشر شده‌اند. حتی بعضی وقتها اگر یک مقاله خوب قدیمی (مثلاً، بیست سال پیش) را بخوانیم، ارزشش از خواندن یک مقاله ضعیف امروزی بیشتر است. همان‌طور که عرض کردم، مطالعه خود را محدود به متون تخصصی حسابداری نکنیم. ما هرچه بیشتر و متنوع‌تر بخوانیم، به تقویت اندیشه‌مان بیشتر کمک می‌کنیم. برای من شخصاً غیرقابل قبول است که کسی به نوشتن علاقه داشته باشد، ولی خواننده خوبی نباشد. اصلاً مجال و نشدنی است. اگر کسی این‌طور باشد، فقط می‌خواهد از ساحت قلم برای شهرت‌طلبی استفاده ابزاری کند، ولی مطمئناً خیلی زود مشتتش باز می‌شود و همه می‌بینند که دستانش خالی است.

در ارتباط با افراد گروه اول؛ یعنی صاحبان اندیشه و تجربه که به‌دلایل مختلف رغبتی به نوشتن ندارند، هم شاید تنها راهکار، استفاده از ابزار مصاحبه و میزگرد باشد. واقعاً بعضی وقتها دیگر چاره‌ای نیست. هرچند خروجی چنین مصاحبه‌ها و میزگردهایی هیچ‌وقت جای خالی نوشته‌های این افراد را پر نمی‌کند. ولی به‌هرحال، از هیچ بهتر است. من حتی بعضی از سردبیران را می‌شناسم که درباره موضوعی مشخص با این بزرگواران یک گفت‌وگوی تلفنی یا حضوری انجام می‌دهند، بعد خودشان ماحصل گفت‌گو را در قالب یک مقاله یا یادداشت پیاده و منتشر می‌کنند. این هم راهکاری است؛ ولی خب خیلی ایثارگرانه است! خدا خیرشان بدهد.

خدمات ارزش آفرین حسابداران حرفه‌ای در دستگاه‌ها و سازمانها و شرکتهای دولتی به مراتب ممکن است، بیشتر از بخش خصوصی باشد. البته ما در مجلات بخش خصوصی نیز به این موضوعها می‌پردازیم، ولی مسلماً وقتی این مطالب از تریبون مجله حسابرس به‌عنوان یک نشریه درون دولتی مطرح شود، شنوایی و پذیرش بیشتری برای آن، از سوی دولتمردان وجود خواهد داشت.

در پایان، از همه همکاران بزرگوارم در مجله حسابرس، از بابت همه زحمات ارزشمندی که برای ارتقای حسابداری ایران متقبل می‌شوند، و همچنین، از بابت فراهم آوردن شرایط انجام این گفت‌وگو، صمیمانه سپاسگزارم و آرزوی توفیق روزافزون برایشان دارم.

سایر

از گفتگوی جذاب و خواندنی با شما، که مطالب گفته‌نشده زیادی با خود داشت، بسیار سپاسگزاریم. جا دارد که دلسوزان حرفه حسابداری، و همچنین جوانانی که به آینده این حرفه دل بسته‌اند، بر نکات ظریف و عمیقی که در این گفتگو مطرح کردید، درنگ کرده و درباره آنها تأمل کنند. به شما و همه همکاران گرامی در انجمن حسابداران خبره ایران، برای ایفای نقش تحسین برانگیز مجله حسابدار، در توسعه ادبیات حسابداری حرفه‌ای کشور تبریک می‌گوییم. 

پانویس:

۱- البته مسلماً منظورم، مجله «حسابرس» سازمان حسابرسی نیست. «حسابرس»، نشریه‌ای بود که از اردیبهشت ۱۳۵۵ تا مهر ۱۳۵۸ در ۱۳ شماره به صاحب‌امتیازی، مدیرمسئولی و سردبیری سیدمحمد بهبهانی (از دانش‌آموختگان دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران) منتشر می‌شد. او پس از آغاز به‌انتشار «حسابرس» توسط سازمان حسابرسی (از زمستان ۱۳۷۷)، با نوشتن یادداشتی که در شماره ۳، آبان ۱۳۷۸، مجله حسابرس منتشر شد، تلویحاً عنوان نشریه خود را به سازمان حسابرسی هبه کرد.

که در پاسخ به پرسشهای قبلی برای ارتقای کیفیت و نقش آفرینی همه مجلات حرفه‌ای حسابداری ایران مطرح ساختم را در درجه نخست به خودم به‌عنوان مسئول فعلی تحریریه مجله حسابدار، و در درجه‌های بعد، به همکاران عزیزم در دیگر مجلات، توصیه می‌کنم. تنها پیشنهاد اختصاصی که در ارتباط با مجله حسابرس به نظرم می‌رسد این است که؛ حسابرس با توجه به این که از سوی یک سازمان دولتی (سازمان حسابرسی) منتشر می‌شود، قاعداً نفوذ بیشتری در دولت و نهادهای حاکمیتی دارد. حتی ممکن است بسیار نافذتر هم باشد. از این رو، بسیاری از مطالبی که اگر در سایر مجلات حرفه‌ای مطرح شود، شاید اثربخشی کمتری داشته باشد، ممکن است از طریق مجله حسابرس به گوش دولتمردان و مسئولان مملکتی برسد. همان طور که دوستان استحضار دارند، ساختار اقتصاد ایران عمدتاً دولتی است. ما حسابداران حرفه‌ای در همه‌جای جهان افتخارمان این است که خودمان را خدمت‌گزاران به عموم می‌دانیم. در کشوری که بنابه روایت‌های مختلف، از ۷۰ تا ۸۵ درصد اقتصادش دولتی یا خصوصی است، قاعداً ما حسابداران برای ایفای بهتر رسالتمان در خدمت‌گزاری به عموم، باید بیشتر به بخش عمومی و دولتی بپردازیم. در این جا منظورم زمینه‌های مختلف حسابداری است؛ از حسابداری و گزارشگری مالی، تا حسابرسی مستقل، تا حسابرسی داخلی، تا حسابرسی عملیاتی و رعایت، تا مباحث متنوع حسابداری مدیریت، تا مبارزه با مفاسد اقتصادی و مبارزه با تقلبهای مالی، و ...

به‌عنوان نمونه، اگر به‌کارگیری یک تکنیک حسابداری مدیریت در یک شرکت خصوصی منجر به صرفه‌جویی یک مبلغ مشخص از منابع کشور شود، به‌کارگیری همان تکنیک در کوچکترین دستگاه‌های دولتی ممکن است منجر به صرفه‌جویی ده‌ها برابر آن مبلغ از منابع کشور شود. به همین نسبت، اثربخشی همه

